

تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها با رویکرد فرا ترکیب و معادلات ساختاری

نوع مقاله: پژوهشی

محمدرضا بناء^۱

امید پورحیدری^۲

احمد خدای پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

چکیده

سوءرفتار مالی در بانک‌ها از جمله مسائل مهمی است که می‌تواند اعتماد عمومی به نظام بانکی، سلامت واسطه‌گری مالی و ثبات بازارهای پولی و مالی را تحت تأثیر قرار دهد. با وجود اهمیت این پدیده، در ادبیات پژوهش چارچوبی منسجم و اعتبارسنجی‌شده برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، هدف پژوهش حاضر تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها با استفاده از رویکرد فرا ترکیب و معادلات ساختاری است. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای و از نظر روش، آمیخته (کیفی-کمی) است. در بخش کیفی، به منظور شناسایی شاخص‌های مؤثر بر سوءرفتار مالی بانک‌ها، از رویکرد فرا ترکیب استفاده شد و بر اساس بررسی نظام‌مند مطالعات پیشین، ۲۷ شاخص استخراج گردید. سپس به منظور غربال‌گری و دستیابی به اجماع خبرگان، با بهره‌گیری از مصاحبه با ۳۲ نفر از صاحب‌نظران و اجرای روش دلفی فازی، ۲۱ شاخص مورد تأیید قرار گرفت. در بخش کمی، شاخص‌های نهایی در قالب پرسشنامه تنظیم و ۲۰۱ پرسشنامه جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که از میان ۲۱ شاخص بررسی‌شده، ۱۵ شاخص شامل اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، نسبت ارزش بازاری به دفتری، وام‌های غیرجاری، رشد دارایی‌ها، مالکیت نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، جنسیت اعضای هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره، اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس، خوش‌بینی مدیرعامل و کوتاه‌بینی مدیرعامل، به عنوان شاخص‌های نهایی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها شناسایی و تأیید شدند. بر این اساس، مدل ارائه‌شده می‌تواند مبنایی برای شناسایی، ارزیابی و پایش سوءرفتار مالی در بانک‌ها و نیز ابزاری کاربردی برای نهادهای ناظر، سرمایه‌گذاران و مدیران بانکی فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: سلامت مالی، عوامل رفتاری، سوء رفتارهای مالی و بانک
طبقه‌بندی JEL: M41, G21, E58

-
- ۱ دکترای حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
mohamadrezabana@gmail.com
- ۲ استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)
opourheidari@uk.ac.ir
- ۳ استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران
khodamipour@uk.ac.ir

مقدمه

سوء رفتار مالی در بانک‌ها از مهم‌ترین چالش‌های نظام مالی معاصر به شمار می‌آید و می‌تواند آثار گسترده‌ای بر اعتماد عمومی، ثبات نهادی، کارایی تخصیص منابع و سلامت بازارهای مالی بر جای گذارد. در سال‌های اخیر، افزایش رسوایی‌ها و تخلفات مالی در نهادهای مالی، توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را بیش از پیش به ضرورت شناسایی و کنترل این پدیده جلب کرده است؛ زیرا سوء رفتار مالی نه تنها هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم سنگینی بر بانک‌ها و ذی‌نفعان تحمیل می‌کند، بلکه به تضعیف شفافیت، تشدید عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ریسک سیستمی نیز منجر می‌شود (قوش^۱، ۲۰۲۰؛ آرنابولدیا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ دآوینو و تسلیکا^۳، ۲۰۲۴). بانک‌ها به دلیل نقش محوری خود در تجهیز و تخصیص منابع مالی، بیش از سایر بنگاه‌ها در معرض پیامدهای سوء رفتار مالی قرار دارند و هرگونه انحراف رفتاری در این نهادها می‌تواند آثار زنجیره‌ای بر کل اقتصاد ایجاد کند. در این میان، ماهیت پیچیده عملیات بانکی، گستردگی تعامل با ذی‌نفعان و سطح بالای اتکای نظام مالی به سلامت تصمیم‌گیری مدیران، اهمیت موضوع را دوچندان می‌سازد. از این‌رو، رفتار مالی سالم در بانک‌ها نه تنها به معنای رعایت قوانین و مقررات است، بلکه شامل پایبندی به اصول شفافیت، پاسخگویی و اجتناب از تعارض منافع نیز می‌شود (کسیم^۴، ۲۰۱۶؛ صفی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۲). در ادبیات پژوهش، سوء رفتار مالی مفهومی چندبعدی است که طیفی از رفتارهای ناهنجار مانند دستکاری گزارشگری مالی، رشوه، کلاهبرداری، پولشویی، اعطای تسهیلات غیرقانونی، نقض حریم خصوصی، تبعیض، و رفتارهای متعارض با منافع ذی‌نفعان را دربرمی‌گیرد. این رفتارها را می‌توان در دو سطح کلی «سوء رفتارهای حسابداری و گزارشگری» و «سوء رفتارهای بازار» طبقه‌بندی کرد. با این حال، آنچه در بسیاری از پژوهش‌ها مشاهده می‌شود، تمرکز بر بیان مصادیق یا بررسی چند عامل پراکنده است، در حالی که برای مواجهه مؤثر با این پدیده، نیاز به مدلی جامع، منسجم و معتبر برای تعیین و تبیین ابعاد آن وجود دارد (بیابانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فاوگر و استول^۵، ۲۰۲۱).

از منظر نظری، بروز سوء رفتار مالی در بانک‌ها را می‌توان در پیوند میان فشارهای مالی، فرصت‌های ناشی از ضعف کنترل، و ویژگی‌های رفتاری تصمیم‌گیرندگان تحلیل کرد. به بیان دیگر، برخی متغیرهای ساختاری و عملکردی بانک، برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی، و برخی ویژگی‌های رفتاری مدیران و سازوکارهای نظارتی می‌توانند در شکل‌گیری یا مهار این پدیده نقش داشته باشند. برای مثال، اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، رشد دارایی‌ها و نسبت‌های عملکردی می‌توانند نشانه‌هایی از فشار یا آسیب‌پذیری مالی باشند؛ در حالی که استقلال هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضا، ویژگی‌های حسابرسان و دوره تصدی وی، ظرفیت کنترل و کشف را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، ویژگی‌هایی مانند خوش‌بینی یا کوتاه‌بینی مدیرعامل نیز می‌توانند بر کیفیت تصمیم‌گیری و گرایش به رفتارهای پرریسک یا فرصت‌طلبانه اثرگذار

1 Ghosh

2 Arnaboldi

3 D'Avino and Tselika

4 Kassem

5 Faugère and STUL

باشند (بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰؛ تورنتون^۱ و همکاران، ۲۰۲۵؛ کارتا^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). با وجود اهمیت موضوع، مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اغلب مطالعات یا بر بخشی از عوامل اثرگذار تمرکز داشته‌اند یا به‌صورت پراکنده به یکی از ابعاد حاکمیت شرکتی، حسابرسی یا ویژگی‌های مدیران پرداخته‌اند. این در حالی است که سوءرفتار مالی پدیده‌ای تک‌عاملی نیست و برای شناخت دقیق آن، باید مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی، حاکمیتی، رفتاری و نظارتی به‌صورت یکپارچه بررسی شوند. بنابراین، خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان یک مدل بومی و اعتبارسنجی‌شده برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌هاست که بتواند هم‌زمان ابعاد مختلف این پدیده را پوشش دهد و مبنای تصمیم‌سازی برای مدیران و ناظران باشد (صفی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲). از منظر مالی رفتاری، نوآوری این پژوهش در آن است که سوءرفتار مالی در بانک‌ها صرفاً به‌عنوان پیامد ضعف‌های ساختاری، نظارتی یا مالی تبیین نمی‌شود، بلکه ریشه‌های رفتاری و شناختی آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در بسیاری از مطالعات پیشین، تحلیل سوءرفتار مالی عمدتاً بر سازوکارهای حاکمیت شرکتی، کنترل‌های رسمی و شاخص‌های عملکردی متمرکز بوده است؛ حال آنکه تصمیم‌های مالی و مدیریتی در عمل، تحت تأثیر سوگیری‌های رفتاری، ادراک‌های ذهنی و ویژگی‌های شخصیتی مدیران نیز شکل می‌گیرد. بر این اساس، وارد کردن متغیرهایی مانند خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیرعامل در کنار شاخص‌های مالی، حاکمیتی و حسابرسی، این امکان را فراهم می‌سازد که مدل پژوهش، سوءرفتار مالی را نه فقط به‌عنوان یک انحراف سازمانی، بلکه به‌عنوان برآیند تعامل میان فشارهای مالی، فرصت‌های نهادی و سوگیری‌های رفتاری تحلیل کند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با پیوند دادن ادبیات سوءرفتار مالی به منطق مالی رفتاری، تصویری جامع‌تر و واقع‌بینانه‌تر از زمینه‌های شکل‌گیری سوءرفتار در بانک‌ها ارائه دهد (بادآور نهندی و همکاران، ۱۴۰۲؛ بزرگ اصل و همکاران، ۱۴۰۰؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴؛ تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتبارسنجی مدل تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها، از رویکرد فراترکیب برای استخراج و تلفیق یافته‌های پژوهش‌های پیشین و از معادلات ساختاری برای اعتبارسنجی روابط میان ابعاد و شاخص‌های مدل استفاده می‌کند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند ضمن غنی‌سازی ادبیات نظری، چارچوبی کاربردی برای شناسایی و پایش سوءرفتار مالی در بانک‌ها فراهم آورد و به ارتقای اثربخشی سیاست‌های نظارتی و کنترلی کمک کند (داوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴). نادیده گرفتن سوءرفتارهای مالی در بخش بانکی می‌تواند پیامدهای شدید و گسترده‌ای برای اقتصاد داشته باشد، از این رو، بررسی این پدیده در هر موسسه و یا نهاد مالی ضروری است، بنابراین با شناسایی مصادیق سوءرفتار مالی در نظام بانکی، شناخت علمی عوامل مؤثر و بسترهای ایجاد آن در نظام بانکی و در نهایت ارائه راهکارها و ابزارهای مورد استفاده در پیش‌گیری از سوءرفتارهای بانکی بتوان گام مثبتی برای شناسایی آن نمود. در حوزه سوءرفتار مالی بانک تحقیق‌های بسیار اندکی انجام شده و هیچ یک از تحقیق‌ها به ارایه مدلی جامع برای تعیین سوءرفتار مالی بانک نپرداخته‌اند،

1 Thornton

2 Carretta

تحقیق‌های انجام شده معمولاً اثر یک یا چند عامل محدود را بر سوء رفتار مالی مورد بررسی قرار داده اند، اما در این پژوهش تلاش شده که مدلی جامع جهت تعیین سوء رفتار مالی بانک ارایه گردد، بنابراین نخستین جنبه نوآورانه بودن تحقیق حاضر این است که در این تحقیق برای اولین بار مفهوم سوء رفتار مالی بانک در بانک‌های ایرانی به صورت دقیق و علمی مورد مطالعه قرار گرفته است و براساس مطالعات انجام شده و روش تحقیق ترکیبی انجام شده، مدلی بومی جهت سنجش سوء رفتار مالی در بانک‌های ایرانی ارایه شده است، در پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از روش فراترکیب شاخص‌های مربوط به سوء رفتار مالی بانک استخراج شده، سپس شاخص‌های استخراج شده توسط خبرگان پژوهش غربال شده و در نهایت مدل پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری ارایه گردیده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر یافتن مدل مناسب برای سوء رفتار مالی بانک و مشخص نمودن شاخص‌های این مدل می‌باشد.

۱- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بانک‌ها به دلیل جایگاه محوری خود در تجهیز و تخصیص منابع، بیش از بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی در معرض پیامدهای ناشی از انحرافات مالی قرار دارند؛ زیرا هرگونه اختلال در سلامت رفتاری و اطلاعاتی آن‌ها می‌تواند علاوه بر تحمیل زیان به سهامداران و سپرده‌گذاران، اعتماد عمومی به شبکه مالی را نیز تضعیف کند. در این چارچوب، سوء رفتار مالی در بانک صرفاً یک تخلف محدود اداری یا حسابداری نیست، بلکه مجموعه‌ای از رفتارهای انحرافی است که از عدول از الزامات قانونی، مقررات حرفه‌ای، اصول اخلاقی و استانداردهای رفتاری مورد انتظار ناشی می‌شود و معمولاً با هدف کسب منفعت نامشروع، پنهان‌سازی واقعیت‌های مالی، انتقال ریسک به دیگران یا فریب ذی‌نفعان بروز می‌یابد. این پدیده می‌تواند در سطوح مختلف سازمان و در تعامل میان مدیران، کارکنان، مشتریان و حتی بازیگران بیرون از بانک شکل گیرد و آثار آن تنها به یک سازمان محدود نماند، بلکه به سطح بازار و نظام مالی نیز سرایت کند (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵؛ دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴). سوء رفتار مالی به هرگونه عمل یا اقدامی اطلاق می‌شود که توسط یک بانک یا کارکنان آن صورت می‌گیرد و از قوانین، مقررات، اخلاق حرفه‌ای یا استانداردهای رفتاری مورد انتظار منحرف می‌شود. هدف این سوء رفتار معمولاً کسب منافع نامشروع، پنهان‌کاری اطلاعات، یا فریب مشتریان، سهامداران یا نهادهای نظارتی است. این رفتارها می‌توانند منجر به آسیب‌های مالی جدی به افراد، سازمان‌ها و حتی کل نظام مالی شوند و اعتماد عمومی را خدشه‌دار کنند. سوء رفتارهای مالی در بانک‌ها شامل پذیرش رشوه، دزدی از شرکت، کلاهبرداری و تقلب می‌باشد (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵). سوء رفتار مالی یکی از انواع سوء استفاده‌های مالی بوده و به معنای اقدام ارادی یا از روی غفلت می‌باشد که هرگونه سرقت وجوه نقد، دریافت پاداش، افزایش قیمت سهام و یا هرگونه کسب منافع دیگری را مجاز می‌شمارد و معمولاً از طریق دستکاری در حساب‌ها، گزارشگری نادرست و تقلب انجام می‌پذیرد (فاوگر و استول، ۲۰۲۱). سوء رفتارهای مالی در بانک‌ها می‌توانند بسیار متنوع باشند، مهمترین مصادیق سوء رفتار مالی در بانک‌ها عبارت است از: کلاهبرداری و اختلاس، پولشویی، وام‌های غیرقانونی یا خارج از ضوابط، دستکاری بازار، نقض حریم خصوصی مشتریان، رفتارهای تبعیض‌آمیز، عدم شفافیت و پنهان‌کاری، تضاد منافع (دآوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴).

ادبیات این حوزه نشان می‌دهد که سوء رفتار مالی در بانک‌ها دامنه‌ای گسترده از مصادیق را دربر می‌گیرد؛ از رشوه، اختلاس، کلاهبرداری و تقلب گرفته تا پولشویی، اعطای تسهیلات خارج از ضوابط، دستکاری اطلاعات، نقض حریم خصوصی مشتریان، پنهان‌کاری، تبعیض و تعارض منافع. وجه مشترک همه این موارد آن است که در آن‌ها از ابزارهای مالی، اطلاعاتی یا اختیارات سازمانی به شیوه‌ای استفاده می‌شود که با منافع مشروع ذی‌نفعان و الزامات حکمرانی مطلوب ناسازگار است. از این منظر، سوء رفتار مالی را می‌توان یکی از جلوه‌های سوء استفاده از قدرت تصمیم‌گیری و دسترسی اطلاعاتی دانست که گاه عاقدانه و گاه در نتیجه ضعف کنترل، بی‌توجهی یا عادی‌سازی انحراف در سازمان رخ می‌دهد (فاوگر و استول، ۲۰۲۱؛ بیابانی و همکاران، ۱۳۹۹). به همین دلیل، این پدیده را نمی‌توان صرفاً با تکیه بر یک متغیر یا یک سطح تحلیل توضیح داد، بلکه باید آن را حاصل برهم‌کنش شرایط مالی، سازوکارهای کنترلی، کیفیت حاکمیت و ویژگی‌های رفتاری بازیگران اصلی دانست. بخش مهمی از پژوهش‌های پیشین، سوء رفتار مالی را در دو عرصه اصلی دنبال کرده‌اند: نخست، انحرافات که در بستر حسابداری و گزارشگری مالی رخ می‌دهد و به آن سوء رفتارهای حسابداری و گزارشگری (بازی با ارقام مالی) گفته می‌شود و دوم، سوء رفتارهایی که از طریق سازوکارهای بازار و مبادلات مالی بروز می‌یابد و به آن سوء رفتارهای بازار (تلاطم و دستکاری بازار) گفته می‌شود. در حوزه حسابداری و گزارشگری، مسئله اصلی آن است که اطلاعات مالی به جای انعکاس واقعیت اقتصادی، به ابزاری برای مدیریت برداشت ذی‌نفعان تبدیل شود. در چنین وضعیتی، مدیران ممکن است برای نشان دادن عملکرد مطلوب‌تر، پنهان کردن ضعف‌ها، یا کاهش حساسیت ناظران، به ثبت نادرست اقلام، دستکاری سود، تغییر برآوردها، یا شناسایی غیرواقعی دارایی‌ها و بدهی‌ها متوسل شوند. این نوع رفتار، اگرچه ممکن است در ظاهر در قالب روبه‌های فنی حسابداری پنهان شود، اما در ماهیت خود یک انحراف رفتاری و تصمیم‌گیری غیراخلاقی است؛ زیرا کارکرد گزارشگری مالی را از «نمایش صادقانه واقعیت» به «مدیریت برداشت» تغییر می‌دهد (هگده و ژو^۱، ۲۰۱۸؛ هوپ و وانگ^۲، ۲۰۱۸؛ کاسو^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، سوء رفتار مالی در سطح بازار زمانی شکل می‌گیرد که بانک یا عوامل وابسته به آن از نابرابری اطلاعاتی، تأخیر در افشا، افشای ناقص، یا دسترسی اختصاصی به اطلاعات برای کسب منفعت استفاده کنند. در این وضعیت، بازار به جای آنکه بستری برای کشف منصفانه قیمت و تخصیص کارآمد منابع باشد، تحت تأثیر رفتارهایی قرار می‌گیرد که قیمت‌ها، تصمیم سرمایه‌گذاران و انتظارات عمومی را به‌صورت مصنوعی منحرف می‌کند. استفاده از اطلاعات نهانی، دستکاری قیمت، ارائه اطلاعات گمراه‌کننده و ایجاد بازده‌های غیرعادی برای گروهی خاص، از جمله نمودهای این سطح از سوء رفتار است که می‌تواند اعتماد به سازوکار بازار را فرسایش دهد و هزینه‌های نظارتی و اعتباری قابل توجهی ایجاد کند (آلتونباسو^۴ و همکاران، ۲۰۱۷؛ کارتا و همکاران، ۲۰۲۴).

در کنار این دو عرصه، مطالعات جدیدتر نشان می‌دهند که توضیح سوء رفتار مالی بدون توجه به بعد رفتاری، ناقص خواهد بود. تصمیم‌های مدیران در بانک‌ها صرفاً محصول محاسبات فنی و محدودیت‌های ساختاری نیست، بلکه از ادراک‌ها، سوگیری‌ها، انگیزه‌ها و افق ذهنی آنان نیز اثر می‌پذیرد. به همین دلیل، درک این پدیده مستلزم آن است که در کنار شاخص‌های مالی و

1 Hegde and Zhou

2 Hope and Wang

3 Casu

4 Altunbas

سازوکارهای کنترلی، ویژگی‌های رفتاری مدیران و زمینه‌های شناختی تصمیم‌گیری نیز مدنظر قرار گیرد. وقتی خوش‌بینی بیش از حد، کوتاه‌بینی، خوداتکایی افراطی، یا ترجیح منافع کوتاه‌مدت بر پایداری بلندمدت در لایه مدیریتی تقویت شود، احتمال آنکه تصمیم‌های مالی به سمت پنهان‌سازی، مخاطره‌پذیری نامتعارف یا عبور از مرزهای اخلاقی سوق پیدا کند افزایش می‌یابد. از این منظر، سوء رفتار مالی را باید برآیند تعامل فشارهای مالی، فرصت‌های سازمانی و سوگیری‌های رفتاری دانست، نه صرفاً محصول ضعف مقررات یا ناکارآمدی نظارت. بر این اساس، خلأ اصلی در پیشینه موجود آن است که اگرچه هر یک از مطالعات بخشی از مسئله را توضیح داده‌اند، اما کمتر پژوهشی کوشیده است مجموعه این ابعاد را در قالب یک الگوی منسجم، بومی و قابل اعتبارسنجی برای بانک‌ها گردآوری کند. بنابراین، پرداختن به تدوین مدلی که بتواند نشانه‌های سوء رفتار مالی را در حوزه‌های مالی، گزارش‌گری، بازار، حاکمیت و ویژگی‌های رفتاری مدیران به‌صورت همزمان شناسایی و اعتبارسنجی کند، می‌تواند هم از حیث نظری به انسجام ادبیات کمک کند و هم از منظر کاربردی، مبنایی برای پایش، هشداردهی و تصمیم‌گیری نظارتی در نظام بانکی فراهم آورد. بانک‌ها، به دلیل ماهیت حساس فعالیت‌هایشان، در معرض آسیب‌های جدی این پدیده قرار دارند. هرگونه اقدام از سوی کارکنان که از استانداردهای اخلاقی، قوانین یا مقررات بانکی منحرف شود، نه تنها می‌تواند منجر به ضررهای مالی هنگفت شود، بلکه از آن مهم‌تر، اعتماد عمومی را که ستون اصلی فعالیت‌های بانکی است، به شدت خدشه‌دار می‌کند. از پولشویی و اعطای وام‌های غیرقانونی گرفته تا دستکاری بازار و نقض حریم خصوصی مشتریان، تمامی این‌ها زنگ خطری جدی برای سلامت نظام مالی هستند (تورنتون و همکاران، ۲۰۲۵). مقابله با سوء رفتارهای مالی نیازمند سیستمی قوی از نظارت، شفافیت و فرهنگ اخلاقی مستحکم در تمامی سطوح سازمان است. تنها با تعهد به این اصول است که می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم دهلزهای مالی، به جای تبدیل شدن به محلی برای کج رفتاری‌ها، مسیرهایی روشن برای رشد و اعتماد باقی بمانند (داوینو و تسلیکا، ۲۰۲۴).

تورنتون و همکاران (۲۰۲۵) به پژوهشی با عنوان سوء رفتار مالی و ریسک‌پذیری بانک: شواهدی از بانک‌های ایالات متحده آمریکا پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۳ در بانک‌های ایالات متحده آمریکا بود و در این فاصله تعداد ۳۶۰ نمونه (بانک-دوره) را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که اقدامات اجرایی مرتبط با سوء رفتار، با افزایش ریسک‌پذیری بانک مرتبط هستند. همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تأثیر این اقدامات اجرایی بر ریسک‌پذیری در حضور مدیران عامل قدرتمند و نسبت بالاتر مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، تشدید می‌شود؛ و هنگامی که هیئت مدیره‌های اجرایی بزرگ‌تر، مسن‌تر، مستقل‌تر، دارای تنوع جنسیتی بیشتر، و فعال‌تر باشند و نیز زمانی که مدیران مستقل نسبتاً بی‌تجربه هستند، این تأثیر کاهش می‌یابد.

داوینو و تسلیکا (۲۰۲۴) به پژوهشی با عنوان آشکارسازی محرک‌های سوء رفتار بانک‌ها: تحریم‌ها، سیگنال‌ها و گستره رفتار غیر اخلاقی پرداختند. دوره زمانی تحقیق آنها در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ در بانک‌های ایالات متحده آمریکا بود و در این فاصله تعداد ۱۳۳۰ نمونه (بانک-دوره) را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق چندین معیار برای سوء رفتار پیشنهاد شده که امکان شناسایی وقوع، تعداد و انواع تخلفات را در همان سالی که رخ می‌دهند (به جای سالی که جریمه پرداخت می‌شود) فراهم می‌آورد. با تمرکز بر صنعت بانکداری ایالت متحده، یافته‌ها پیامدهای مهم سیاستی دارند. نتایج نشان داد که تنبیه‌ها (مجازات‌ها) یک اثر بازدارنده بر سوء رفتار دارند. همچنین مشخص شد که تنبیه‌های بزرگ اعمال شده بر بانک‌های بزرگ، منجر به بهبود رفتار در کل صنعت بانکداری می‌شود. رفتار بانک‌های بزرگ‌تر به

عنوان یک سیگنال اطلاعاتی برای سایر بانک‌ها عمل می‌کند و بر احتمال و شدت سوء رفتار آنها تأثیر می‌گذارد.

کارنا و همکاران (۲۰۲۴) به پژوهشی با عنوان خطاها و سوء رفتارها در بانکداری و مالی: یک بررسی نظام‌مند ادبیات و چارچوبی یکپارچه پرداختند. این مقاله با هدف نظام‌مند کردن یافته‌های موجود و توسعه یک چارچوب یکپارچه نگاشته شده است. ما یک بررسی نظام‌مند ادبیات را برای شناسایی آثار مرتبط با این موضوع (۵۷ مورد) انجام شده تا چارچوبی یکپارچه ایجاد گردد که پیش‌بینی‌های و پیامدهای بالقوه خطاها و سوء رفتارها را تبیین کرده و همچنین مسیرهایی را برای تحقیقات آینده مشخص کند. تحقیقات در زمینه خطاها و سوء رفتارها در بافتار بانکداری و مالی را می‌توان به چندین شاخه تقسیم کرد: رفتارهای فردی و/یا سازمانی، معاملات درون گروهی، نظارت توسط مقامات، تأثیر فرهنگ ملی، پیامدها برای اعتبار بانک‌ها، و اهمیت دیجیتالی‌سازی. یافته‌های ما بر لزوم گسترش روش‌شناسی‌های پژوهشی، توسعه تحقیقات در مورد رویه‌های مدیریتی و مکانیزم‌های کنترلی، بررسی اثرات تعاملی بین پیش‌بینی‌ها، و تعمیق درک ما از نقش عوامل محیطی تأکید دارند.

آرنابولدا و همکاران (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان تأثیر جنسیت هیات مدیر بر سوء رفتارهای بانکی پرداختند. نمونه پژوهش آن‌ها شامل ۲۸۰ بانک اروپایی در فاصله زمانی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ بود. نتایج نشان داد که وجود هیات مدیره زن به طور قابل توجهی میزان تخلف‌ها و جرائم مرتبط با آن را کاهش می‌دهد و موجب صرفه‌جویی ۷/۴۸ میلیون دلار در سال از بابت جرائم بانکی شده است. همچنین طبق تئوری توده زمانی که تعداد زنان افزایش یابد، اثربخشی آن‌ها بر سوء رفتارهای مالی نیز بیشتر می‌گردد.

فوگر و استول (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان رویدادهای مضر و رفتارهای نادرست در سازمان‌های مالی: سوگیری‌های انسانی و علل ریشه‌ای آن پرداختند. آن‌ها یک پژوهش میدانی وسیع از ۱۹ حادثه بزرگ در ۱۹ موسسه بزرگ بیمه و بانکی اروپایی بر اساس ۱۱۶ مصاحبه انجام شده از مدیران و مدیران ارشد این مؤسسات در یک دوره دو ساله بعد از وقوع رخداد پرداختند و از تحلیل علل ریشه‌ای برای تشخیص سوگیری‌های انسانی مستند شده توسط منابع مالی رفتاری، رفتار سازمانی و ادبیات روانشناسی شغلی استفاده نمودند. این سوگیری‌ها عوامل ریسک عملیاتی کلیدی این سازمان‌ها را تشکیل می‌دهند. نتایج نشان داد که سوگیری‌های به‌عنوان دلایل اصلی حوادث در این سازمان‌ها در کانون توجه قرار می‌گیرد. همچنین بانک‌ها بیشتر در معرض سوگیری‌های عاطفی (ترس و طمع) هستند و شرکت‌های بیمه بیشتر در معرض محافظه‌کاری شناختی به‌عنوان سوگیری‌های ریشه‌ای هستند. این پژوهش پیامدهای مستقیمی در رابطه با نحوه برخورد بانک‌ها و شرکت‌های بیمه با مقرراتی دارد که تأکید بیشتری بر اندازه‌گیری و کنترل ریسک عملیاتی و به‌ویژه ریسک سوء رفتار دارند.

قوش (۲۰۲۰) به پژوهشی با عنوان تخلفات مالی در بانک‌های هند: چه چیزی مهم است و چه چیزی مهم نیست؟ درحالی‌که چندین جنبه از سوء رفتار مالی مورد بررسی قرار گرفته است، یکی از جنبه‌هایی که تا حد زیادی توجه محققان را دور زده است، عوامل مؤثر بر چنین رفتار نادرست در بانک‌ها است. آن‌ها در سال‌های بین ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ تعداد ۴۲۳ بانک‌دوره را مورد بررسی قرار دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص بانک و هیات مدیره در ایجاد سوء رفتار مالی مهم هستند، اگرچه تأثیر این متغیرها با توجه به نوع مالکیت متفاوت است، به‌گونه‌ای که در بانک‌های دولتی اندازه و سرمایه بر سوء رفتارها تأثیرگذارند در حالیکه در بانک‌های خصوصی نقدینگی عامل اصلی می‌باشد. علاوه بر این، ارتباط هیات مدیره با سوء رفتار بانک‌ها تنها در مورد بانک‌های خصوصی معنادار است.

هگده و ژو (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر خوش‌بینی سرمایه‌گذاران بر سوء رفتارهای حسابداری پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های بین ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۲ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که با افزایش خوش‌بینی سرمایه‌گذاران، میزان سوء رفتارهای حسابداری افزایش می‌یابد، البته این رابطه می‌تواند حالت غیرخطی داشته باشد، یعنی با افزایش خوش‌بینی سرمایه‌گذاران تا حد متوسط، میزان سوء رفتارهای حسابداری افزایش می‌یابد و زمانی که خوش‌بینی سرمایه‌گذاران بیش از حد متوسط باشد، میزان سوء رفتارها کاهش می‌یابد. همچنین نتایج نشان داد زمانیکه سرمایه‌گذاران پیش‌بینی اولیه‌ای از سوء رفتار حسابداری داشته باشند، نسبت به اعلام اخبار تجدید ارائه‌های صورت‌های مالی، واکنش منفی از خود نشان می‌دهند. البته شدت رابطه بین خوش‌بینی سرمایه‌گذاران و سوء رفتارهای حسابداری با توجه به عوامل اقتصاد کلان، خوش‌بینی سطح اقتصاد و سطح صنعت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

پارک^۱ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر مدیریت سود پرداخت. بدین منظور از داده‌های شرکت‌های غیرمالی بازار اوراق بهادار کشور کره در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ استفاده نمود. نتایج پژوهش وی نشان داد که میزان اعلام تعهدی اختیاری منفی با احساسات سرمایه‌گذاری رابطه منفی دارد و شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران خوش‌بین، از اعلام تعهدی اختیاری مثبت استفاده می‌کنند.

هوپ و وانگ (۲۰۱۸) به بررسی تأثیر فریب مدیران و پاکسازی‌های بزرگ بر عدم تقارن اطلاعاتی پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های بین ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ بود. نتایج نشان داد که انجام پاکسازی‌های عمده توسط مدیران فریب کار باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد و انجام پاکسازی‌های عمده توسط مدیران با درجه فریبکاری کم، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

آلتونباسو و همکاران (۲۰۱۷) به پژوهشی با عنوان دوره تصدی مدیر عامل و سوء رفتارهای شرکتی: شواهدی از بانک‌های ایالات متحده پرداختند. دوره زمانی پژوهش آن‌ها سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۵ بود و تعداد ۲۴۸ بانک را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که بین دوره تصدی مدیر عامل و سوء رفتار بانک‌های ایالات متحده ارتباط معناداری وجود دارد. بانک‌ها زمانی که دوره تصدی مدیر عامل طولانی باشد، بانک‌ها ترازنامه نسبتاً ضعیفی دارند و احتمال ارتکاب تخلف بیشتر است. هیات مدیره شرکت‌های بزرگ و مستقل می‌توانند رفتارهای نادرست را کاهش دهند، اما نمی‌توانند به طور کامل از آن‌ها جلوگیری کنند.

نگوین^۲ و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا هیئت مدیره بانک‌ها می‌توانند از تخلف جلوگیری کنند؟ دوره زمانی پژوهش آن‌ها بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ بود و تعداد مشاهدات آن‌ها شامل ۴۰۷۲ بانک-سال بود. نتایج نشان داد که نظارت بهتر توسط هیات مدیره بانک‌ها از همه دست‌بندی‌های سوء رفتار جلوگیری می‌کند و با افزایش نظارت هیئت مدیره، احتمال کشف تخلف را افزایش می‌دهد.

حمیدی حامی و همکاران (۱۴۰۰) به پژوهشی با عنوان قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانانه پرداختند. نمونه مورد مطالعه ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

1 Park

2 Nguyen

تهران برای دوره‌های زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ می‌باشد که با استفاده از روش داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین قدرت مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری وجود ندارد. با این حال بین بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری مشاهده شد.

هاشمی بهرمان و پورزمان (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان تأثیر سبک‌های تصمیم‌گیری بر گزارشگری متقلبانه پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان مستقل بوده و جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. برای اندازه‌گیری تمایل پاسخ‌دهندگان به مدیریت سود و همچنین برای اندازه‌گیری سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده گردید. پس از انجام آزمون‌های پایایی و روایی داده‌های نمونه، تحلیل‌های مربوط بر اساس رویکرد مدل‌یابی ساختاری صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سبک‌های تصمیم‌گیری (وابستگی، عقلانی، آنی و اجتنابی) بر گزارشگری متقلبانه تأثیری معنی‌داری دارد.

علیخانی دهقی و همکاران (۱۳۹۹) به پژوهشی با عنوان نقش مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای سنجش توانایی الگوهای مدیریت سود در شناسایی صورت‌های مالی متقلبانه، داده‌های ۱۳۰۳ سال شرکت (شامل ۲۱ شرکت متقلب و ۱۶۸ شرکت غیرمتقلب) طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ انتخاب و تجزیه و تحلیل با استفاده از روش‌های داده‌کاوی شامل درخت تصمیم، شبکه‌های عصبی و روش بیزین انجام شده است؛ بدین منظور ۷ معیار مشهور مدیریت سود استفاده‌شده در پژوهش‌های قبلی بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد از بین الگوهای پژوهش، الگوی درخت تصمیم و از بین الگوهای اقلام تعهدی، الگوی اقلام تعهدی تعدیل‌شده جونز (۱۹۹۱) با نسبت ارزش دفتری، بیشترین ارتباط را با صورت‌های مالی متقلبانه دارد.

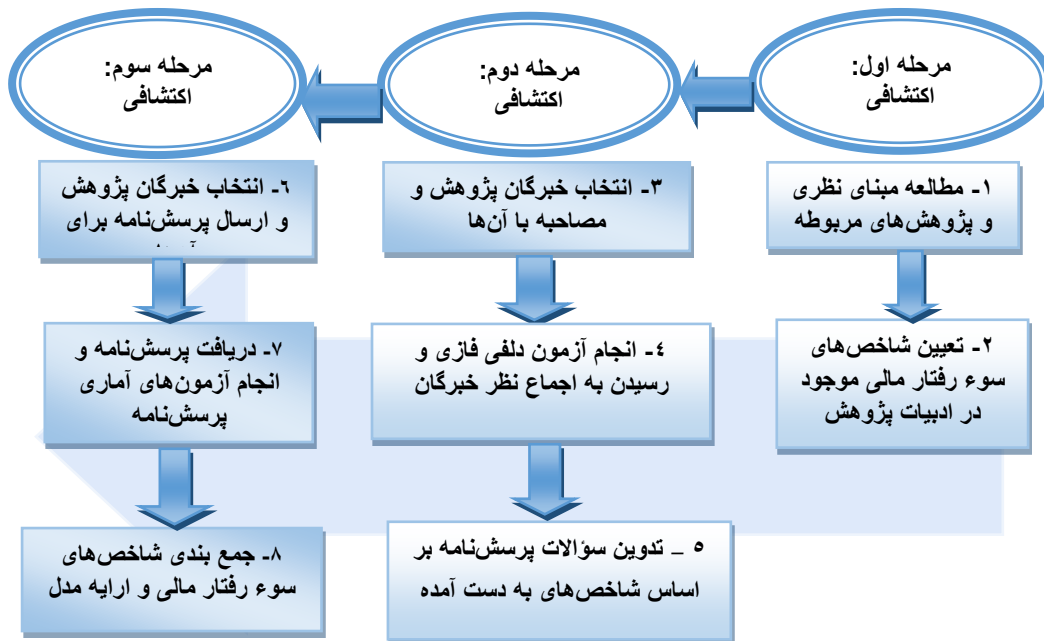
رئیزی نافچی و دستگیر (۱۳۹۸) به پژوهشی با عنوان ارائه الگویی برای شناسایی عوامل خطر موثر بر وقوع تقلب در بانک‌ها (مطالعه موردی، بانک رسالت استان اصفهان) پرداختند. این پژوهش در سال ۱۳۹۶ انجام گرفت. داده‌ها از طریق پرسشنامه به روش دلفی جمع‌آوری شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از تأثیر مثبت و معنادار عوامل خطر مرتبط باثبات مالی و کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا بر وقوع تقلب در بانک‌های رسالت استان اصفهان است. بنابراین برای تشخیص وقوع تقلب، باید روی ثبات مالی و کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا در بانک‌ها تمرکز کرده و برای بهبود آن‌ها گام برداشت.

خواجوی و ابراهیمی (۱۳۹۷) به پژوهشی با عنوان تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای تحقق این هدف، شرکت‌های متقلب با استفاده از علائم خطر اشاره شده در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان «مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه در صورت‌های مالی» و با به‌کارگیری تکنیک‌های داده‌کاوی غیر نظارتی مشخص شد. دوره زمانی مدنظر برای هر یک از فرضیه‌های پژوهش، سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۳ و نمونه انتخابی شامل ۱۸۲ شرکت است. نتایج حاصل از تخمین فرضیه‌های پژوهش نیز نشان می‌دهد صرف‌نظر از اهرم مالی، سودآوری، ترکیب دارایی‌ها، نقدینگی، کارایی، اندازه و رشد، بین ترکیب هیات مدیره، تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی با تقلب در صورت‌های مالی، رابطه معناداری وجود دارد.

حجازی و مختاری نژاد (۱۳۹۶) به پژوهشی با عنوان رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانة پرداختند. برای این منظور ۱۰۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۵ ساله (۱۳۹۰-۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین تخصص اعضاء هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضاء غیرموظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانة رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی ساختار حاکمیت شرکتی اثر بخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانة را کاهش می‌دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد بین اهرم مالی (نسبت بدهی) و احتمال گزارشگری مالی متقلبانة رابطه معنی‌داری وجود دارد. علاوه به این اندازه هیات مدیره و اندازه شرکت بر احتمال گزارشگری مالی متقلبانة تاثیر معنی‌داری ندارد. وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۵) به پژوهشی با عنوان اثر کیفیت حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط پرداختند و در دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ تعداد ۴۳ شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در شرکت‌های با اندازه بزرگ، دوره تصدی‌گری ۵ ساله حسابرس، به احتمال بیشتری اقلام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد. از طرفی به احتمال زیاد شرکت‌هایی که از حسابرس متخصص استفاده می‌نمایند تمایل کمتری به دریافت گزارش مشروط دارند.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جز پژوهش‌های توسعه‌ای بوده و از پارادایم تفسیری استفاده شده است. در راستای تحقق هدف پژوهش که یافتن مدل مناسب برای سوء رفتار مالی بانک می‌باشد، در این تحقیق از روش پژوهش آمیخته استفاده شده که در آن ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا جهت استخراج شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک از ادبیات پژوهش، روش کیفی فراترکیب مورد استفاده قرار گرفته است، در روش فراترکیب هدف پژوهش استخراج یک چارچوب کلی با بهره‌گیری از نتایج تحقیقات انجام شده در موضوعی مشخص می‌باشد. در مرحله بعد مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان منتخب انجام شده است، بکارگیری مصاحبه دارای مزایایی چون انعطاف پذیری و آزادی در کسب اطلاعات پیرامون موضوع می‌باشد، پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان جهت غربالگری شاخص‌ها روش دلفی فازی استفاده شده است. در مرحله پایانی نیز در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، از طریق تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری در نرم‌افزار پی ال اس نسخه ۴ مورد بررسی قرار گرفت. وجود متغیرهای پنهان (مکنون)، حجم نمونه اندک، داده‌های غیرنرمال و قدرت پیش‌بینی مناسب از مهمترین دلایل استفاده از نرم‌افزار پی ال اس می‌باشد. مدل‌سازی معادلات ساختاری روشی مناسب برای بررسی و تشریح روابط میان متغیرهای پنهانی است که توسط متغیرهای آشکار سنجیده شده‌اند. این معادلات همه روابط میان سازه‌ها که در تحلیل وجود دارند، را ترسیم می‌کند. در نمودار شماره ۱ مراحل اجرای پژوهش ارائه گردیده است:

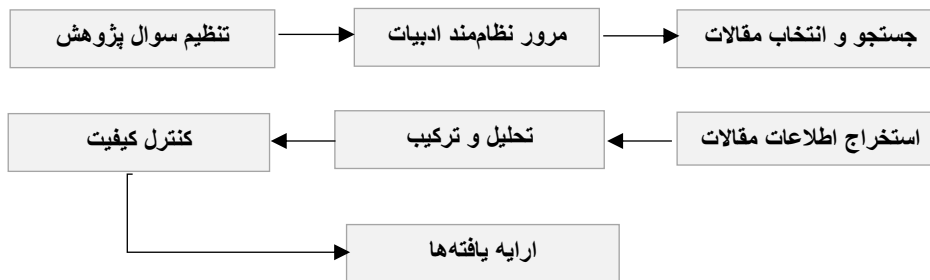


نمودار ۱: مراحل اجرای روش پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

مرحله اول- روش فراترکیب

در این بخش بر اساس الگوی هفت مرحله‌ای ارائه شده توسط سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷) به شرح زیر انجام شده است:



نمودار ۲: فرآیند هفت مرحله‌ای فراترکیب، سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷)

مرحله دوم- روش دلفی فازی

در مرحله دوم جهت اجرای روش دلفی فازی از طیف فازی مثلثی لیکرت ۷ درجه به شرح ذیل استفاده شده است:

جدول ۱: طیف اعداد فازی در خصوص سوالات با ۷ پاسخ و یا لیکرت ۷ درجه

کاملاً بی‌اهمیت	خیلی بی‌اهمیت	بی‌اهمیت	متوسط	بااهمیت	خیلی بااهمیت	کاملاً بااهمیت
(۰،۰،۰/۱)	(۰،۰/۱،۰،۰/۳)	(۰/۱،۰،۰/۳،۰،۰/۵)	(۰/۳،۰،۰/۵،۰،۰/۷۵)	(۰/۵،۰،۰/۷۵،۰،۰/۹)	(۰/۷۵،۰،۰/۹،۱)	(۰/۹،۰،۱)

همچنین جهت تجمیع دیدگاه خبرگان از روش میانگین استفاده شده است:

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}; x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}; x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = Z^* = \max(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3)$$

در فرمول فوق، عدد قطعی برابر بزرگترین مقدار x_{max}^i می‌باشد (بوجدزیف و بوجدزیف، ۲۰۰۷).

مرحله سوم- روش معادلات ساختاری

پس از گردآوری نتایج حاصل از پرسشنامه، برای بررسی داده‌ها از مدل سازی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی تاییدی در نرم افزار نرم‌افزار پی ال اس استفاده می‌شود. در این روش از معیارهای پایایی، روایی همگرا و واگرا استفاده می‌شود.

۳- یافته های پژوهش**الف- نتایج حاصل از اجرای روش فراترکیب:**

جهت جستجو و انتخاب مقالات، ابتدا می‌بایست ابعاد پژوهش حاضر (موضوع، جامعه مورد بررسی، زمان، معیارهای پذیرش منابع و ...) به صورت واضح مشخص گردد. در جدول ذیل ابعاد انجام پژوهش ارائه گردیده است:

جدول ۲: معیارهای پذیرش پژوهش‌ها و منابع

پارامترها	معیار پذیرش
موضوع پژوهش‌های مورد مطالعه	سوء رفتار مالی بانک‌ها
زمان انجام پژوهش‌ها	از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۲۴
نوع پژوهش‌های انجام شده	مقالات چاپ شده در مجلات و کنفرانس‌های بین‌المللی و کتب مرجع، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به بانک‌ها
روش‌های انجام شده در پژوهش‌ها	انواع روش‌های کیفی و روش‌های کمی در صورت ارائه نتایج مربوط به سوء رفتار مالی بانک‌ها
محدوده جغرافیایی پژوهش‌های انجام شده	تمامی کشورها
زبان انجام پژوهش‌ها	انگلیسی و فارسی

منبع: یافته‌های پژوهش

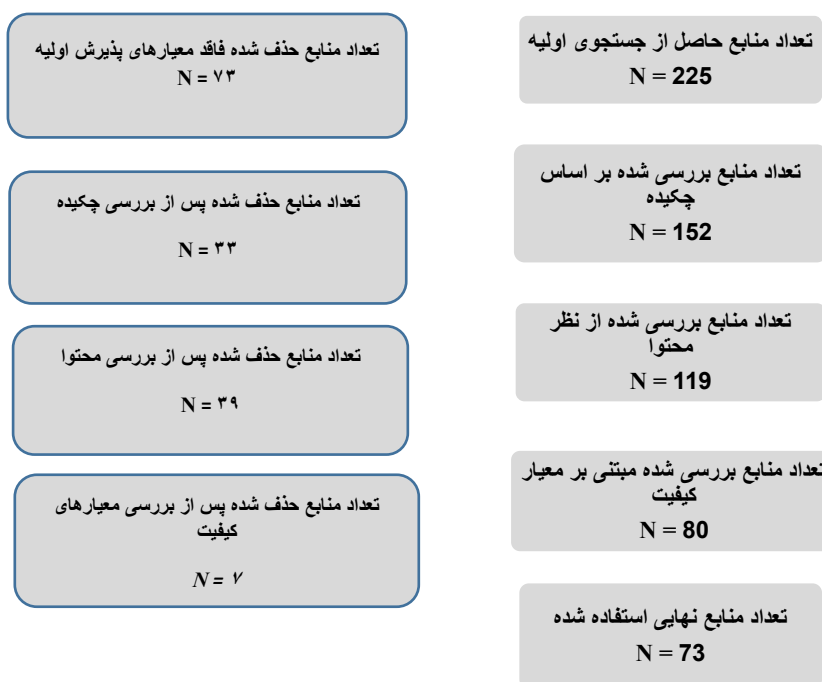
پایگاه‌های اطلاعاتی که قرار است در آن به جستجوی منابع پرداخته شود و همچنین کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش نیز به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۳: کلیدواژه‌های مورد استفاده جهت جستجوی منابع

کلید واژه مد نظر	معادل انگلیسی
سوء رفتار مالی	Financial misconduct
سوء رفتار مالی بانک‌ها	Financial misconduct of banks
سوء رفتار حسابداری	Accounting misconduct
سوء رفتار گزارشگری	Reporting misconduct
سوء رفتار بازار	Market misconduct

منبع: یافته‌های پژوهش

در مرحله اول تعداد ۲۲۵ منبع (شامل مقالات و دستورالعمل‌های منتشر شده با کلید واژه‌های مندرج در جدول ۵) یافت گردید که پس از اعمال معیارهای مختلف در نهایت تعداد ۷۳ منبع به شرح زیر جهت اجرای روش فرا ترکیب مورد استفاده قرار گرفت. در نگاره ذیل مراحل غربالگری منابع ارائه شده است:



نمودار ۳: خلاصه‌ای از نتایج جستجو و انتخاب متون مناسب

در مرحله بعدی از روش فراترکیب با استفاده از کدگذاری محوری، شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها مشخص گردید. در این مرحله تعداد ۳۶ شاخص از منابع فوق استخراج و پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها، مواردی که با یکدیگر مشابه بوده ادغام و در نهایت تعداد ۲۷ شاخص منحصر به فرد استخراج گردید که میزان تکرار این شاخص‌ها در منابع تحقیقاتی در جدول شماره ۶ در ستون فراوانی منعکس شده است:

جدول ۴: شاخص‌های مرتبط با سوء رفتار مالی بانک‌ها استخراج شده در جستجوی منابع

شماره	شاخص‌ها	تکرار شاخص‌ها در منابع
۱	اندازه بانک	۲۲
۲	تعداد کارکنان	۲۳
۳	اهرم مالی	۳۳
۴	کفایت سرمایه	۴۵
۵	تعداد شعب	۱۲
۶	سود (زیان) انباشته	۳۹
۷	نسبت ارزش بازاری به دفتری	۳۳
۸	سودآوری	۳۸
۹	وام‌های غیرجاری	۲۹
۱۰	رشد دارایی‌ها	۲۲
۱۱	نسبت دارایی‌های ثابت	۱۱
۱۲	قدمت بانک	۱۳
۱۳	مالکیت نهادی	۱۸
۱۴	مالکیت دولتی	۲۸
۱۵	استقلال اعضاء	۱۷
۱۶	دوره تصدی مدیر عامل	۴۲
۱۷	جنسیت اعضاء	۱۴
۱۸	سن هیئت مدیره	۱۹
۱۹	تخصص مالی اعضاء	۲۲
۲۰	اندازه موسسه حسابرسی	۲۷
۲۱	دوره تصدی حسابرس	۲۲
۲۲	قدمت موسسه حسابرسی	۸
۲۳	نوع موسسه حسابرسی	۱۱
۲۴	تخصص حسابرس	۲۸
۲۵	خوش بینی مدیر عامل	۳۵
۲۶	خودشیفتگی مدیر عامل	۲۷
۲۷	کوته بینی مدیر عامل	۳۲

منبع: یافته‌های پژوهش

در استخراج شاخص‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها، با بررسی دقیق منابع سعی شده تا تمامی جنبه‌های سوء رفتار مالی بانک‌ها که در منابع پژوهش به آن اشاره شده، پوشش داده شود، جهت بررسی کیفیت کدگذاری محوری، از روش توافق بین دو کدگذار استفاده شده است (رات و همکاران، ۲۰۱۹). بدین ترتیب که روش انجام پژوهش و شاخص‌های استخراج شده توسط پژوهشگر در اختیار ۲ فرد متخصص در زمینه مباحث مالی بانک‌ها که از بین اعضای هیأت علمی پژوهشکده بانکداری انتخاب شده‌اند، قرار گرفته و از طریق یک پرسشنامه که شامل ۹ سوال می‌باشد از افراد مذکور در خصوص درستی انجام روش پژوهش سوال شده است. نتایج پرسشنامه مذکور ضریب توافق کاپا برابر با ۰/۷۱ می‌باشد، با توجه به این‌که ضریب کاپا بالاتر از ۰/۶ می‌باشد می‌توان استدلال نمود که سطح توافق ۲ کدگذار معنادار و مورد پذیرش است.

در مرحله پایانی روش فراترکیب با استفاده از روش آنتروپی شانون و فراوانی هر شاخص بار اطلاعاتی و سطح اهمیت آن مشخص می‌گردد. در روش آنتروپی شانون جهت یافتن میزان پشتیبانی پژوهش‌های گذشته از یافته‌های پژوهش، میزان فراوانی هر یافته مشخص شده و با محاسبه بار اطلاعاتی هر یافته، سطح اهمیت آن مشخص می‌گردد. برای محاسبه بار اطلاعاتی عدم اطمینان و ضریب اهمیت از روابط ذیل استفاده می‌شود. در یک ماتریس تصمیم که m گزینه براساس n معیار ارزیابی شده است با استفاده از مفهوم آنتروپی می‌توان به تعیین وزن معیارها پرداخت. نتایج حاصل از اجرای روش آنتروپی بر روی داده‌های پژوهش به شرح جدول ۵ ارائه شده است:

جدول ۵: نتایج حاصل از اجرای روش آنتروپی

شاخص‌ها	فراوانی	بار اطلاعاتی	ضریب اهمیت
اندازه بانک	۲۲	۱.۵۶	۴.۷٪
تعداد کارکنان	۲۳	۱.۰۲	۳.۰٪
اهرم مالی	۲۳	۰.۷۴	۲.۲٪
کفایت سرمایه	۴۵	۱.۰۱	۳.۰٪
تعداد شعب	۱۲	۰.۹۸	۳.۰٪
سود (زیان) آتی‌اشته	۳۹	۱.۵۶	۴.۷٪
نسبت ارزش بازاری به دفتری	۲۳	۱.۴۵	۴.۳٪
سودآوری	۳۸	۰.۴۷	۱.۳٪
مطالبات بانک	۲۹	۱.۰۳	۳.۱٪
رشد دارایی‌ها	۲۲	۰.۵۸	۱.۷٪
نسبت دارایی‌های ثابت	۱۱	۱.۴۳	۴.۳٪
قدمت بانک	۱۳	۰.۴۳	۱.۳٪
مالکیت نهادی	۱۸	۰.۵۰	۱.۸٪
مالکیت دولتی	۲۸	۰.۲۰	۰.۶٪
استقلال اعضاء	۱۷	۱.۳۰	۳.۹٪
دوره تصدی مدیر عامل	۴۲	۴.۹۲	۱۴.۷٪
جنسیت اعضاء	۱۴	۱.۵۳	۴.۶٪
سن هیئت مدیره	۱۹	۱.۲۸	۳.۸٪
تخصص مالی اعضاء	۲۲	۱.۰۴	۳.۱٪
اندازه موسسه حسابرسی	۲۷	۱.۳۰	۳.۹٪
دوره تصدی حسابرس	۲۲	۱.۵۴	۴.۶٪
قدمت موسسه حسابرسی	۸	۳.۰۴	۹.۱٪
توع موسسه حسابرسی	۱۱	۲.۱۱	۶.۳٪
تخصص حسابرس	۲۸	۰.۶۳	۱.۹٪
خوش بینی مدیر عامل	۳۵	۰.۵۹	۱.۸٪
خودشیفتگی مدیر عامل	۲۷	۰.۶۶	۲.۰٪
کوتاه بینی مدیر عامل	۳۲	۰.۴۷	۱.۴٪
جمع	۶۷۰	-	۱

منبع: یافته‌های پژوهش

ب- نتایج حاصل از اجرای روش دلفی فازی:

جهت بررسی شاخص‌های استخراج شده در مرحله فراترکیب توسط خبرگان پژوهش، ابتدا با ۳۲ نفر از خبرگان پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام پذیرفت، معیار انتخاب خبرگان در این مرحله از پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

- اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده بانکداری
 - مدیران عامل بانک‌ها با دانش و تحصیلات مالی
 - مدیران حوزه معاونت نظارت بانک مرکزی
 - صاحب نظران حرفه پولی و مالی شاغل در حوزه معاونت بانک بیمه وزارت اقتصاد
- برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش گلوله برفی استفاده شده و افراد مختلف از طریق ارتباط با سایر افراد انتخاب شده اند (حریری، ۱۳۸۵). در مصاحبه‌های انجام شده براساس دیدگاه خبرگان جهت تطبیق با شرایط فعلی محیط اقتصادی کشور، در خصوص ۲ شاخص اصلاح نگارشی و محتوایی به شرح زیر انجام گردید:

جدول ۶: شاخص‌های اصلاح شده بعد از مصاحبه با خبرگان

نام شاخص قبلی	نام شاخص جدید
سن بانک	قدمت بانک
کوته بینی مدیر عامل	دیدگاه کوتاه مدت مدیر عامل

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین یک شاخص جدید به شاخص‌ها اضافه و یک شاخص نیز به شرح زیر حذف گردید، شاخص اضافه شده عبارت است از شاخص وام‌های غیرجاری و شاخص حذف شده عبارت است از شاخص مطالبات بانک

بنابراین با اعمال این موارد بر روی شاخص‌های استخراجی در بخش فراترکیب، در نهایت تعداد ۲۷ شاخص جهت اجرای بخش کمی وجود دارد. برای اجرای بخش کمی و اجماع نظر خبرگان از روش پژوهش دلفی استفاده شده است. از بین دو کاربرد روش دلفی فازی (غریبال شاخص‌ها و پیش‌بینی)، از روش دلفی فازی برای غریبال‌گری استفاده شده، با توجه به اینکه در غریبال‌گری ابتدا به پشتوانه‌ی ادبیات پیشین، غریبال ابتدایی انجام می‌شود و تحلیل جنبه‌ی تأییدی دارد، برخلاف کاربرد روش دلفی فازی در پیش‌بینی (که باید چندین راند ادامه پیدا کند که اجماع نظر خبرگان حاصل شود)، کاربرد این روش در غریبال‌گری، در یک راند قابل انجام است (باباجانی و همکاران، ۱۳۹۷). در جدول شماره ۷ مقادیر میانگین فازی نظرات خبرگان پژوهش و مقادیر فازی زدایی شده ارائه شده است:

جدول ۷: نتایج حاصل از اجرای روش دلفی فازی جهت غربالگری شاخص‌ها

شماره	شاخص‌ها	وضعیت	میانگین فازی	میانگین فازی زدایی شده
۱	اندازه بانک	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۶ ، ۱)	۰/۹۱
۲	تعداد کارکنان	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۵ ، ۱)	۰/۸۰
۳	اهرم مالی	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۱ ، ۱)	۰/۷۸
۴	کفایت سرمایه	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۵ ، ۱)	۰/۹۰
۵	تعداد شعب	رد	(۰ ، ۰/۳۸ ، ۰/۷)	۰/۳۶
۶	سود (زیان) انباشته	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۵ ، ۱)	۰/۹۰
۷	نسبت ارزش بازاری به دفتری	تایید	(۰/۰ ، ۰/۸۷ ، ۱)	۰/۶۹
۸	سودآوری	تایید	(۰/۳ ، ۰/۸۹ ، ۱)	۰/۷۷
۹	وام‌های غیرجاری	تایید	(۰/۰ ، ۰/۸۳ ، ۱)	۰/۶۶
۱۰	رشد دارایی‌ها	تایید	(۰/۰ ، ۰/۸۴ ، ۱)	۰/۶۷
۱۱	نسبت دارایی‌های ثابت	رد	(۰ ، ۰/۲۱ ، ۰/۷)	۰/۲۸
۱۲	قدمت بانک	رد	(۰ ، ۰/۲۸ ، ۰/۷)	۰/۳۱
۱۳	مالکیت نهادی	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۲ ، ۱)	۰/۷۹
۱۴	مالکیت دولتی	تایید	(۰/۳ ، ۰/۸۷ ، ۱)	۰/۷۶
۱۵	استقلال اعضاء	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۶ ، ۱)	۰/۹۱
۱۶	دوره تصدی مدیر عامل	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۷ ، ۱)	۰/۹۰
۱۷	جنسیت اعضاء	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۱ ، ۱)	۰/۷۸
۱۸	سن هیئت مدیره	رد	(۰ ، ۰/۳۶ ، ۰/۷)	۰/۳۵
۱۹	تخصص مالی اعضاء	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۵ ، ۱)	۰/۸۰
۲۰	اندازه موسسه حسابرسی	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۶ ، ۱)	۰/۸۱
۲۱	دوره تصدی حسابرس	تایید	(۰/۷ ، ۰/۹۶ ، ۱)	۰/۹۰
۲۲	قدمت موسسه حسابرسی	رد	(۰ ، ۰/۳۲ ، ۰/۷)	۰/۳۳
۲۳	نوع موسسه حسابرسی	رد	(۰ ، ۰/۳۶ ، ۰/۷)	۰/۳۵
۲۴	تخصص حسابرس	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۵ ، ۱)	۰/۸۹
۲۵	خوش بینی مدیر عامل	تایید	(۰/۳ ، ۰/۸۹ ، ۱)	۰/۷۷
۲۶	خودشیفتگی مدیر عامل	تایید	(۰/۳ ، ۰/۸۷ ، ۱)	۰/۷۶
۲۷	کوته بینی مدیر عامل	تایید	(۰/۳ ، ۰/۹۲ ، ۱)	۰/۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با در نظر گرفتن معیار ۰/۶ برای رد شدن شاخص‌ها توسط خبرگان، تعداد ۶ شاخص رد شده و الباقی شاخص‌ها (۲۱) شاخص مورد تأیید خبرگان پژوهش قرار گرفت.

ج- نتایج حاصل از اجرای روش معادلات ساختاری:

پس از تبیین شاخص ها، مؤلفه ها و ابعاد مدل که بخش کیفی پژوهش را تشکیل داده، در بخش کمی پژوهش پرسشنامه محقق ساخته ای بین خبرگان توزیع شد. معیار انتخاب خبرگان پژوهش در این مرحله به شرح زیر می باشد:

- محققین و اعضاء هیات علمی شاغل در پژوهشکده بانکداری و دانشگاه ها با سابقه فعالیت های پژوهشی مرتبط با این حوزه
 - مدیران عامل بانک ها با مدرک تحصیلی در رشته های حسابداری و مالی
 - مدیران شاغل در حوزه معاونت نظارت بانک مرکزی
 - معاونین مالی و مدیران مالی بانک ها با حداقل ۵ سال سابقه فعالیت در بانک ها
 - مدیران و سرپرستان موسسات حسابرسی با حداقل ۵ سال سابقه حسابرسی در بانک ها
- با توجه به مشخص بودن جامعه آماری و اطلاعات تماس آن ها از نمونه گیری استفاده نشده و لینک پرسشنامه پس از تماس با آن ها و هماهنگی، از طریق پیامک، واتس اپ یا پست الکترونیک برای تمامی اعضای جامعه ارسال گردید. در نهایت تعداد ۲۰۱ پرسشنامه کامل از پرسشنامه های ارسال شده جمع آوری گردید. در جدول شماره ۸ مشخصات خبرگان پژوهش که به پرسشنامه ها پاسخ داده اند ارائه شده است:

جدول ۸: آمار توصیفی پاسخ دهندگان به پرسشنامه

تعداد	شرح	تعداد	شرح
۸۰	کمتر از ۱۰ سال	۱۷۸	مرد
۶۸	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲۳	زن
۳۴	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۱۸	کمتر از ۳۰ سال
۱۹	بیش از ۲۰ سال	۷۷	بین ۳۰ تا ۴۰ سال
۱۵	اعضای هیات علمی و مدرس	۶۱	بین ۴۰ تا ۵۰ سال
۱۴	مدیر عامل بانک ها	۴۵	بیش از ۵۰ سال
۳۲	مدیران شاغل در بانک مرکزی	۱۷۳	کارشناسی ارشد
۹۱	معاون مالی یا مدیر مالی	۲۸	دکتری
۴۹	مدیر یا سرپرست موسسه حسابرسی		

منبع: یافته های پژوهش

جهت بررسی روایی سازه نتایج توزیع پرسشنامه در نرم افزار پی ال اس ابتدا پایایی و روایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت، برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR) استفاده شده است. آلفای کرونباخ معیاری کلاسیک برای ارزیابی پایداری درونی بوده و به طور معمول، مقدار بالاتر از ۰/۷ این معیار نشانگر پایایی قابل قبول است. پایایی ترکیبی (CR) با توجه به همبستگی شاخص های آن با یکدیگر محاسبه گردیده و مقدار بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی ترکیبی قابل قبول و نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل های اندازه گیری دارد.

برای سنجش روایی از روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا استفاده شده است. روایی همگرا (AVE) بیانگر میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص های

خود می‌باشد، فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی همگرا معرفی نموده و مقدار بالاتر از ۰/۵ را قابل قبول دانسته‌اند. روایی و اگر معیاری است که میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه با رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها را نشان می‌دهد. چنانچه روایی و اگر برقرار باشد، یک سازه با شاخص‌های خود تعامل بیشتری دارد تا با سازه‌های دیگر. برای بررسی این معیار از ماتریسی استفاده می‌شود که قطر اصلی آن رابطه سازه با شاخص‌هایش و سایر داریه‌ها ارتباط میان سازه‌ها را نشان می‌دهد. انتظار می‌رود که مقدار قطر اصلی برای هر سازه از سایر داریه‌های مرتبط با آن سازه بیشتر باشد.

جدول ۹: مقادیر مربوط به پایایی و روایی شاخص‌های پژوهش

شاخص‌ها	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR>0.7)	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
استقلال اعضای هیات مدیره	۰/۷۰۹	۰/۸۷۳	۰/۷۷۴
اندازه بانک	۰/۷۳۱	۰/۸۸۲	۰/۷۸۸
اندازه موسسه حسایری	۰/۷۲۷	۰/۸۷۵	۰/۷۷۹
اهرم مالی	۰/۷۰۲	۰/۸۶۹	۰/۷۶۹
تخصص حسایری	۰/۷۱۹	۰/۸۷۵	۰/۷۷۸
تخصص مالی اعضای هیات مدیره	۰/۷۰۶	۰/۸۷۲	۰/۷۷۳
تعداد کارکنان	۰/۷۱۳	۰/۸۶۴	۰/۷۶۰
جنسیت اعضای هیات مدیره	۰/۷۳۲	۰/۸۴۳	۰/۷۲۹
خودشیفتگی مدیر عامل	۰/۷۲۶	۰/۸۷۹	۰/۷۸۴
خوش بینی مدیر عامل	۰/۸۴۳	۰/۹۲۷	۰/۸۶۵
دوره تصدی حسایری	۰/۸۸۳	۰/۹۴۵	۰/۸۹۵
دوره تصدی مدیر عامل	۰/۷۷۶	۰/۸۹۵	۰/۸۱۱
رشد دارایی‌ها	۰/۷۵۸	۰/۷۹۳	۰/۶۵۸
سوء رفتار مالی	۰/۷۳۱	۰/۸۸۲	۰/۷۸۸
سود(زیان) اتیاشته	۰/۷۸۲	۰/۸۶۱	۰/۷۵۷
سودآوری	۰/۷۶۸	۰/۸۵۵	۰/۷۴۷
مالکیت دولتی	۰/۷۲۵	۰/۷۳۷	۰/۵۹۰
مالکیت نهادی	۰/۷۱۹	۰/۸۶۱	۰/۷۵۷
نسبت ارزش بازاری به دقتی	۰/۷۷۵	۰/۸۹۶	۰/۸۱۲
وام‌های غیرجاری	۰/۷۲۱	۰/۸۷۷	۰/۷۸۲
کفایت سرمایه	۰/۷۴۰	۰/۸۸۴	۰/۷۹۲
کوته بینی مدیر عامل	۰/۸۲۷	۰/۹۲۱	۰/۸۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مقادیر مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی که بزرگتر از ۰/۷۰ می-باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین مقدار شاخص AVE برای تمام شاخص‌ها بیشتر از ۰/۵۰ می‌باشد، بنابراین مدل پژوهش از روایی همگرا نیز برخوردار می‌باشد. برای بررسی روایی واگرا از ماتریس فورنل-لارکر استفاده شده است و مقدار قطر اصلی برای هر سازه از سایر درایه‌های مرتبط با آن سازه بیشتر باشد، بنابراین روایی واگرا نیز وجود دارد.

در خصوص ضریب مسیر شاخص‌های مدل و آماره تی مدل نیز جداول ذیل ارائه شده است:

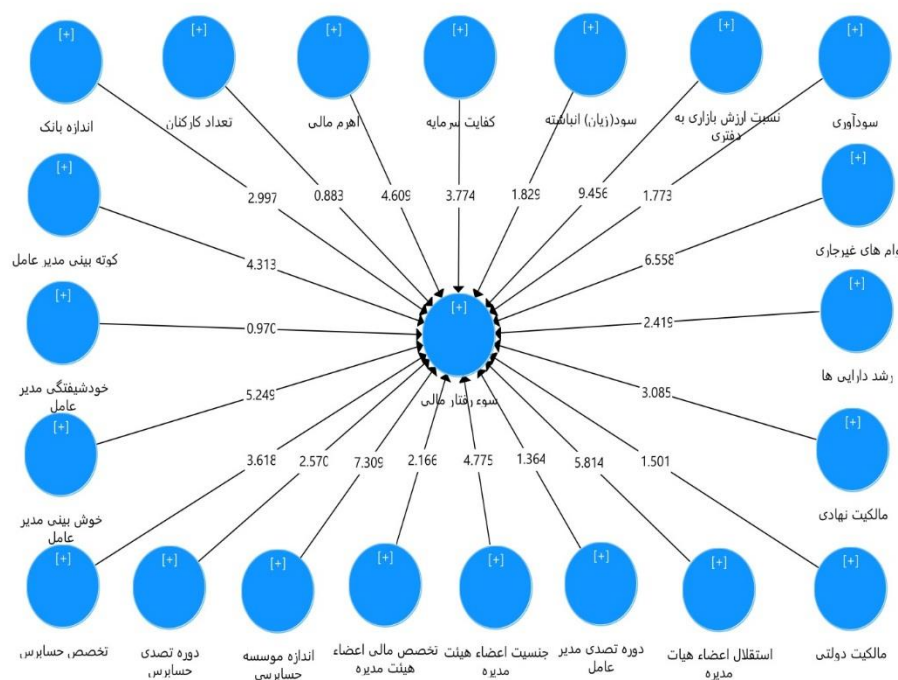
جدول ۱۰: ضریب مسیر شاخص‌های مدل و آماره تی

نتیجه آزمون	ضریب مسیر	آماره تی	سوال
تایید	۰/۳۲۷	۲/۹۹۷	اندازه بانک
رد	۰/۰۶۶	۰/۸۸۳	تعداد کارکنان بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۵۱	۴/۶۰۹	اهرم مالی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۴۵	۳/۷۷۴	کفایت سرمایه بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
رد	۰/۲۲۷	۱/۸۲۹	سود (زیان) انباشته بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۸۲	۹/۴۵۶	نسبت ارزش بازاری به دفتری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
رد	۰/۱۹۰	۱/۷۷۳	سودآوری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۷۴	۶/۵۵۸	وام های غیرجاری بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۱۱	۲/۴۱۹	رشد دارایی ها بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۲۹	۳/۰۸۵	مالکیت نهادی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
رد	۰/۱۷۸	۱/۵۰۱	مالکیت دولتی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۶۲	۵/۸۱۴	استقلال اعضای هیات مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
رد	۰/۱۱۹	۱/۳۶۴	دوره تصدی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۵۴	۴/۷۷۵	جنسیت اعضای هیئت مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۰۸	۲/۱۶۶	تخصص مالی اعضای هیئت مدیره بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۷۷	۷/۳۰۹	اندازه موسسه حسابرسی بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۱۲	۲/۵۷۰	دوره تصدی حسابرس بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۴۰	۳/۶۱۸	تخصص حسابرس بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۵۹	۵/۲۴۹	خوش بینی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
رد	۰/۱۰۶	۰/۹۷۰	خودشیفتگی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟
تایید	۰/۳۴۸	۴/۳۱۳	کوته بینی مدیر عامل بر سوء رفتار مالی بانکی تاثیر معنی داری دارد؟

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به ضرائب معناداری مربوط به ضرایب مسیر مندرج در جداول فوق، تمامی شاخص‌ها دارای ضریب معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ بوده و در خصوص شاخص‌ها نیز ضرائب معناداری دارای چنین وضعیتی می‌باشد، لذا مدل پژوهش دارای روایی سازه می‌باشد.

مدل نهایی پژوهش نیز که با استفاده از رویکرد معادلات ساختاری استخراج گردیده است به شرح نمودار شماره ۴ می‌باشد:



نمودار ۴: مدل سوء رفتار مالی بانک‌ها

۴- بحث و نتیجه گیری

در سال‌های اخیر، مسئله سوءرفتار مالی در بانک‌ها به یکی از دغدغه‌های مهم حوزه بانکداری و نظارت مالی تبدیل شده است؛ زیرا کارکرد اثربخش نظام مالی در گرو تداوم اعتماد سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان به سلامت نهادی بانک‌ها و یکپارچگی بازارهای مالی است و هر عاملی که این اعتماد را تضعیف کند، می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک تخلف موردی بر جای گذارد (آلتونباس^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). افزون بر این، سوءرفتار مالی در بانک‌ها تنها یک انحراف عملیاتی یا گزارشگری محدود نیست، بلکه می‌تواند به تضعیف بنیان مالی بانک، کاهش اعتبار نهادی، افزایش ریسک ادراک‌شده، افت ارزش سهام و افزایش هزینه سرمایه منجر شود؛ به‌ویژه در بانک‌های بزرگ که دامنه اثرگذاری آن‌ها به سطح ثبات نظام بانکی و حتی سرریزهای برون‌مرزی نیز گسترش می‌یابد (عاریف^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). از

1 Altunbas

2 Arif

این منظر، سوء رفتار مالی باید نه به عنوان یک رویداد منفرد، بلکه به مثابه پدیده‌ای چندوجهی در نظر گرفته شود که از تعامل عوامل مالی، ساختارهای حاکمیتی، سازوکارهای کنترلی و ویژگی‌های رفتاری مدیران پدید می‌آید. با توجه به اینکه در ادبیات داخلی و خارجی، پژوهش‌های محدودی به صورت متمرکز به شناسایی و صورت‌بندی شاخص‌های تعیین سوء رفتار مالی بانک‌ها پرداخته‌اند و مدل جامع و اعتبارسنجی شده‌ای در این زمینه کمتر مشاهده می‌شود، پژوهش حاضر کوشید این خلأ را با رویکردی ترکیبی و مرحله‌مند پوشش دهد. در مرحله نخست، با بهرگیری از رویکرد فراترکیب و بررسی ۷۳ مقاله منتخب، مجموعه‌ای از شاخص‌های مرتبط با سوء رفتار مالی بانک‌ها شناسایی و پس از ادغام موارد همپوشان، ۲۷ شاخص اولیه استخراج شد. در مرحله دوم، با استفاده از مصاحبه با صاحب‌نظران و اجرای دلفی فازی، این مجموعه پالایش شد و ۲۱ شاخص به اجماع خبرگان رسید. در مرحله سوم نیز داده‌های گردآوری شده از طریق ۲۰۱ پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار پی‌ال‌اس مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت برازش مناسب مدل نهایی تأیید شد.

نتایج این مرحله نشان داد که از میان ۲۱ شاخص بررسی شده، ۱۵ شاخص شامل اندازه بانک، اهرم مالی، کفایت سرمایه، نسبت ارزش بازاری به دفتری، وام‌های غیرجاری، رشد دارایی‌ها، مالکیت نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره، جنسیت اعضای هیئت‌مدیره، تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره، اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، تخصص حسابرس، خوش‌بینی مدیر عامل و کوتاه‌بینی مدیر عامل، شاخص‌های نهایی مدل تعیین سوء رفتار مالی بانک را تشکیل می‌دهند. در مقابل، ۶ شاخص شامل تعداد کارکنان، سودآوری، سود یا زیان انباشته، مالکیت دولتی، دوره تصدی مدیر عامل و خودشیفتگی مدیر عامل در مدل نهایی مورد تأیید قرار نگرفتند. این یافته نشان می‌دهد که سوء رفتار مالی در بانک‌ها بیش از آنکه صرفاً تابع متغیرهای عمومی عملکردی باشد، با مجموعه‌ای از شاخص‌های مالی، نظارتی، حاکمیتی و رفتاری پیوند دارد و همین امر ضرورت نگاه چندسطحی به این پدیده را تقویت می‌کند. به بیان دیگر، مدل نهایی پژوهش حاضر مؤید آن است که برای تبیین و سنجش سوء رفتار مالی بانک‌ها، باید همزمان به وضعیت مالی بانک، کیفیت سازوکارهای راهبری و کنترل، و نیز ویژگی‌های شناختی و رفتاری مدیران توجه شود. از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر با جهت‌گیری جدیدی که در مقدمه و مبانی نظری مورد تأکید قرار گرفت همخوان است؛ بدین معنا که سوء رفتار مالی را نمی‌توان صرفاً به تخلفات آشکار یا دستکاری‌های محدود در گزارشگری فروکاست، بلکه باید آن را در بستر ریسک نهادی، ضعف کنترل، فرصت‌طلبی مدیریتی و سوگیری‌های رفتاری تحلیل کرد. معنادار شدن متغیرهایی مانند خوش‌بینی و کوتاه‌بینی مدیر عامل در کنار شاخص‌هایی نظیر اهرم مالی، وام‌های غیرجاری، استقلال و تخصص هیئت‌مدیره و ویژگی‌های حسابرس، نشان می‌دهد که سوء رفتار مالی برآیند یک سازوکار تک‌عاملی نیست؛ بلکه از برهم‌کنش فشارهای مالی، کیفیت نظارت و الگوهای تصمیم‌گیری مدیران شکل می‌گیرد. این نتیجه، ظرفیت تبیینی مدل را تقویت می‌کند و آن را از سطح یک فهرست توصیفی از متغیرها فراتر می‌برد. یافته‌های پژوهش همچنین از حیث کاربردی حائز اهمیت است؛ زیرا مدل ارائه شده می‌تواند مبنایی برای پایش زود هنگام نشانه‌های سوء رفتار مالی در بانک‌ها فراهم آورد. به بیان دقیق‌تر، این مدل می‌تواند به عنوان یک ابزار هشداردهنده در کنار سایر سازوکارهای نظارتی مورد استفاده قرار گیرد

و نهادهای ناظر را در شناسایی بانک‌های در معرض ریسک، اولویت‌بندی بازرسی‌ها و طراحی مداخلات کنترلی یاری دهد. از این حیث، نوآوری پژوهش حاضر تنها در استخراج مجموعه‌ای از شاخص‌ها نیست، بلکه در تبدیل آن‌ها به یک چارچوب اعتبارسنجی‌شده برای سنجش و ارزیابی مستمر نهفته است. چنین چارچوبی، به‌ویژه در محیطی که اطلاعات رسمی گاه با تأخیر یا عدم شفافیت همراه است، می‌تواند برای ارزیابی سلامت رفتاری بانک‌ها بسیار سودمند باشد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر، به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود که از مدل ارائه‌شده در این پژوهش برای ارتقای نظارت مالی و رفتاری بر بانک‌ها بهره گیرد و بانک‌ها را ملزم کند تا بر اساس صورت‌های مالی شش‌ماهه، میزان سوءرفتار مالی خود را با استفاده از شاخص‌های مدل محاسبه و گزارش کنند. افشای دوره‌ای این اطلاعات می‌تواند امکان نظارت کوتاه‌مدت، مقایسه‌پذیری بیشتر و مداخله به‌موقع را برای نهاد ناظر فراهم سازد. همچنین به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی پیشنهاد می‌شود که در فرآیند ارزیابی سهام بانک‌ها، تنها به شاخص‌های سودآوری و بازده اکتفا نکنند، بلکه متغیرهای مؤثر بر سوءرفتار مالی، به‌ویژه شاخص‌های مرتبط با کیفیت حاکمیت شرکتی، وضعیت دارایی‌ها و ویژگی‌های رفتاری مدیران را نیز در تحلیل‌های خود لحاظ نمایند. این موضوع می‌تواند به تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر و کاهش خطای ارزیابی کمک کند. در سطح درون‌سازمانی نیز به اعضای هیئت‌مدیره بانک‌ها توصیه می‌شود که برای سنجش و کنترل آثار سوءرفتار مالی، از تیم‌هایی متشکل از متخصصان مالی، بانکی، حسابداری و مدیریت ریسک استفاده کنند و این ارزیابی را به‌صورت مستمر و در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت انجام دهند. استقرار چنین سازوکاری می‌تواند به مدیریت ارشد در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر، کاهش احتمال انحراف و تقویت انضباط سازمانی کمک کند. افزون بر آن، تقویت آموزش و پژوهش در بانک‌ها باید به‌عنوان بخشی از راهبرد پیشگیرانه مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا کاهش سوءرفتار مالی صرفاً با کنترل بیرونی محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند ارتقای فرهنگ حرفه‌ای، حساسیت اخلاقی، سواد نظارتی و توان تحلیل ریسک در سطوح مختلف سازمان است. بانک‌ها باید با توجه به شرایط متغیر بازار و نیازهای جدید مشتریان، از رهگذر آموزش هدفمند، یادگیری سازمانی و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، توان خود را برای پیشگیری، شناسایی و مهار رفتارهای انحرافی ارتقا دهند.

در مجموع، می‌توان گفت پژوهش حاضر با ارائه و اعتبارسنجی یک مدل شاخص‌محور برای تعیین سوءرفتار مالی بانک‌ها، گامی در جهت منسجم‌سازی ادبیات این حوزه و فراهم کردن مبنایی کاربردی برای سنجش این پدیده برداشته است. اهمیت این دستاورد در آن است که سوءرفتار مالی را از سطح یک مفهوم کلی و پراکنده، به سطح یک سازه قابل سنجش و قابل پایش ارتقا می‌دهد. بر این اساس، مدل نهایی پژوهش می‌تواند هم در توسعه مطالعات آتی و هم در تصمیم‌سازی‌های نظارتی و مدیریتی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه را برای حرکت به سوی نظام بانکی شفاف‌تر، پاسخگوتر و مقاوم‌تر در برابر انحرافات مالی فراهم سازد. باتوجه به اینکه در تحقیق‌های خارجی و داخلی انجام شده در خصوص موضوع تحقیق، تاکنون مدلی برای سوء رفتار مالی بانک ارایه نشده است، امکان مقایسه نتایج با تحقیق‌های مشابه وجود ندارد و موضوع تحقیق دارای نوآوری بوده، با این حال نتایج تحقیق حاضر را می‌توان با پژوهش‌های زیر که عمدتاً عوامل مؤثر بر سلامت، ثبات و سوء رفتار مالی بانک

را مورد بررسی قرار داده‌اند مقایسه نمود، از این‌رو نتایج تحقیق حاضر با تحقیق‌ها انجام شده توسط نتایج فوق با نتایج سایر تحقیقات، می‌توان دریافت که این نتایج با یافته‌های خواجه‌ای و ابراهیمی (۱۳۹۷)، تورنتون و همکاران (۲۰۲۵)، داوینو و تسلیکا (۲۰۲۴)، کارتا و همکاران (۲۰۲۴)، آرنابولدیا و همکاران (۲۰۲۱)، ژانگ و همکاران (۲۰۱۷)، حمیدی حامی و همکاران (۱۴۰۰) علیخانی دهقی و همکاران (۱۳۹۹)، رئیسی نافچی و دستگیر (۱۳۹۸)، صفی‌خانی و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد.

به محققین حوزه‌های مالی و بانکی به منظور انجام تحقیق‌های آتی پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- بررسی مدل سوء رفتارهای مالی در سایر صنایع و شرکت‌ها
- بررسی آثار سوء رفتار مالی بانک‌ها بر متغیرهای حسابداری و بازار سرمایه از جمله تاثیر آن بر بازده مالکانه، بازده سهام، شفافیت و کیفیت اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی
- بررسی و شناسایی عوامل موثر بر ثبات و سوء رفتار مالی بانک‌ها با توجه به رهنمود-های جدید کمیته بال
- تبیین مدلی برای سوء رفتار مالی بانک‌ها بر اساس طبقه‌بندی شاخص‌ها به ابعاد و مولفه‌ها
- بررسی و پژوهش در خصوص شعب خارجی بانک‌ها با توجه به قوانین و مقررات کشور مقابل می‌تواند از اهمیت بالایی برخوردار باشد. همچنین توجه ویژه به تعهدات اعتبار اسنادی ریالی و ارزی نیز مورد تاکید می‌باشد.

منابع

۱. بادآور نهندی، یونس، و فرنود احمدی، مینا. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط خطی و غیرخطی بین خودشیفتگی مدیرعامل و فعالیت اجتماعی شرکت با توجه به نقش تعدیلی مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی. *پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۳(۱)، ۱۷-۳۶.
۲. بزرگ اصل، موسی، بهشور، اسحاق، و احمدی پاک، فرشته (۱۴۰۰). خودشیفتگی مدیرعامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تاکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسی. *دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱۳۹-۱۵۵.
۳. بناء، محمدرضا، پورحیدری، امید و خدای‌پور، احمد. (۱۴۰۲) بررسی و تبیین عوامل مؤثر بر سوء رفتارهای مالی در بانک‌های ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۲(۴۵)، ۷۳-۱۰۱.
۴. بیابانی، غلامحسین، کونانی، محمدرضا و ذوقی، بهنام. (۱۳۹۹). پیشگیری وضعی و کیفی از سوء رفتار پلیس علیه متهمان. *نشریه مطالعات بین المللی پلیس*، ۱۱(۴۱)، ۱۰۲-۱۸۱.
۵. حجازی، رضوان، و مختاری نژاد، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه، *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۲(۳)، ۳۳-۶۰.
۶. حمیدی، حامی، فلاح، فغانی ماکرانی، خسرو و ذبیحی، علی. (۱۴۰۰). قدرت و بیش اطمینانی مدیران و گزارشگری متقلبانه. *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*، ۱۵(۴۵)، ۳۷۹-۴۰۰.
۷. خواجهی، شکراله، و ابراهیمی، مهرداد (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورتهای مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۶(۲)، ۷۱-۸۴.
۸. رئیسی نافچی، امیرسالار، و دستگیر، محسن، (۱۳۹۸)، ارائه الگوئی برای شناسایی عوامل خطر مؤثر بر وقوع تقلب در بانک‌ها (مطالعه موردی، بانک رسالت استان- اصفهان). *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۱(۴۱)، ۲۳-۴۵.
۹. رحیمی، زکیه، و هراتی، جواد. (۱۳۹۹). تأثیر نرخ سود بین بانکی و شیب منحنی عایدی بر سودآوری بانکهای منتخب در ایران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۹(۳۲)، ۲۱۱-۲۴۳.
۱۰. صفی خانی، فرهاد، یعقوب نژاد، احمد، جهانشاد، آزیتا. (۱۴۰۲). پیشایندهای گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های دارای بحران مالی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۱۲(۴۵)، ۲۵۱-۲۷۰.
۱۱. عزیزی، آریا، (۱۳۹۸)، نقش مدیران بانک ها در پیش گیری از فساد اقتصادی در نظام بانکداری اسلامی، *همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، اصفهان، ایران.
۱۲. علیخانی دهقی، حسین، ایزدی نیا، ناصر و کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۹). نقش مدیریت سود در شناسایی صورتهای مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۸(۴)، ۲۱-۳۸.
۱۳. وکیلی فرد، حمیدرضا، طالب نیا، قدرت الله و صباغیان طوسی، امید، (۱۳۹۵)، اثربخشی حسابرسی بر اقلام تعهدی اختیاری و ارائه گزارش حسابرسی مشروط، *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۸(۲۹)، ۹۷-۱۲۴.
۱۴. هاشمی بهرمان، مریم و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر سبک های تصمیم گیری بر گزارشگری مالی متقلبانه (رویکرد مدل یابی ساختاری). *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۷)، ۷۷-۹۱.

15. Altunbas, Y., Thornton, J., & Uymaz, Y. (2018). CEO tenure and corporate misconduct: Evidence from US banks. *Finance Research Letters*, 26(September), 1-8.
16. Arnaboldi, F., Casu, B., Gallo, A., Kalotychou, E., & Sarkisyan, A. (2021). Gender diversity and bank misconduct. *Journal of Corporate Finance*. Elsevier 71(C).1-30
17. Carretta, A., Fattobene, L., Graziano, E.A. et al. Errors and misbehaviors in banking and finance: a systematic literature review and an integrative framework, *Journal of Management and Governance*, 24-12, 1(14)
18. Casu B. & Gallo A. & Kalotychou E. & Sarkisyan A., (2023). "Bank Misconduct, Board Diversity and CEO Turnover," *Review of Corporate Finance*, vol. 3(1-2), 149-174
19. D'Avino C, Tselika M, (2024), Unveiling the drivers of banks' misconduct: Sanctions, signals, and the extent of unethical behavior, *International Review of Financial Analysis* 96 (1), 1-15
20. Faugère, Ch & STUL, O. (2021). Harmful Events and Misconducts in Financial Organizations: Human Biases and Root Causes. *Research in International Business and Finance*. 56 (1).
21. Ghosh,S, (2020). "Financial misconduct in Indian banks: what matters and what doesn't?," *Journal of Risk Finance*, Emerald Group Publishing Limited, vol. 21(2), pages 57-76, May.
22. Hegde S, Zhou T, (2018), Predicting Accounting Misconduct: The Role of Firm-Level Investor Optimism, *Journal of Business Ethics*, 149 (1), 1-28
23. Hope OK, Wang J, (2018), Management Deception, Big-Bath Accounting, and Information Asymmetry: Evidence from Linguistic Analysis, Accounting, *Organizations and Society*, 70 (1), 33-51
24. Kassem, R. (2016). "Detecting financial reporting fraud: The impact and implications of management motivations for external auditors – Evidence from the Egyptian context". A Doctoral Thesis. Loughborough University. Institutional Repository.
25. Nguyen, DD, Hagendorff, J & Eshraghi, A (2016), 'Can Bank Boards Prevent Misconduct?', *review of Finance*, 20(1), 1-36.
26. Park S ,(2018). The effect of investor sentiment on the means of earnings management. *Investment Management and Financial Innovations*, 15(1), 10-17
27. Thornton J, Altunbaş Y, Uymaz Y, (2025), Financial misconduct and bank risk-taking: Evidence from US banks, *Journal of Banking & Finance*, 177(1), 1-23